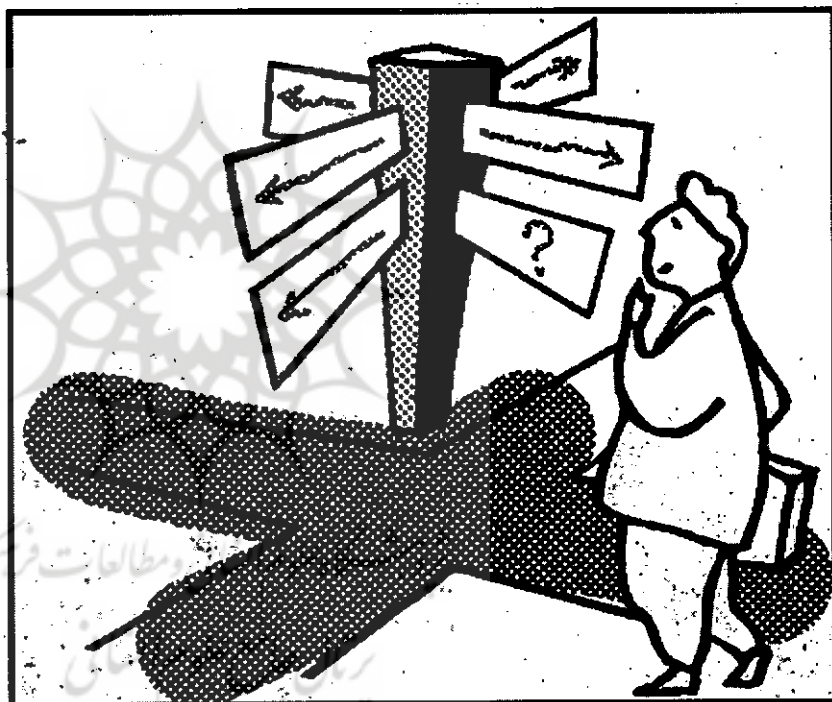


ضرورت ایجاد شاخص سود حقیقی در معاملات اسلامی

(به بهانه بحران سرمایه در غرب و گسترش دامنه آن در مؤسسات مالی اسلامی)

نوشته: محمود ملانیا جلودار E-Mail: MJELODAR@Yahoo.Com



▲ با توجه به چالش‌های بین صنعت و سرمایه در اردوگاه مالی غرب، مؤسسات مالی اسلامی به کدام سو باید بروند؟

حفظ ارزش پول در برابر خطرات آتی پاسخ دهد، ولی از سوی دیگر، اقتصاد و تولید را با مشکلات عمده مواجه ساخت. به بیانی روشن‌تر، سرمایه‌های نقدی کوچک و بزرگ به جای همگرایی یا بخش تولید به منظور گره‌گشایی معضلات روبه رشد جامعه بشری، ابزارهایی در دست مؤسسات مالی و دلالت پول در غرب شده که چرخه بکارگیری آن در بخش تولید، در پایین‌ترین سطح از نفس معاملات پولی (برمیانی الگوی رباخواری) هزینه بیشتری را در بازپرداخت قراردادی و انعطاف‌ناپذیر خود، بر سیستم تولید تحمیل می‌کرد. تا آنجا که در طی پنج سال اخیر، بسیاری از صنایع تولیدی کوچک و بزرگ جهان به دلیل عدم توانایی در بازپرداخت بهره حاصل از جذب سرمایه، به ورشکستگی یا تعطیلی کامل کشیده شدند. به عبارتی روشن‌تر، جذب اینگونه سرمایه‌ها برای صنعت و تولید، هیچگونه توجیه اقتصادی نداشته و با عدم جذب آن، نقدینگی ناکارآمد نزد بانک‌های غربی هر لحظه افزایش یافته، و سایه رکود ناشی از چالش بین صنعت و سرمایه، بعد از صنعت، بر سرمایه نیز آنچنان گسترده شد که کارشناسان مالی ایالات متحده آمریکا در زمانی کمتر از یک سال، بانک مرکزی خود را ۱۰ بار مجبور به کاهش نرخ بهره کرده و بانک‌های مرکزی آلمان و انگلستان هم به دفعات نرخ بهره خود را کاهش دادند و اکنون بعد از سوییس، از اتریش نیز زمره حذف پرداخت بهره به سپرده‌های بانکی بگوش می‌رسد.

براساس برآورد کارشناسان مالی کشورهای مذکور، نرخ پیشنهاد شده به سپرده‌های بانکی در این کشورها (در حال حاضر ۲ درصد در آمریکا)، اکنون در پایین‌ترین سطح خود در طی پنجاه سال گذشته قرار گرفته و با توجه به تورم ۲/۶ درصدی در اقتصاد امروز آمریکا، سرمایه‌گذارانی که از وام بانکی استفاده می‌کنند، عملاً ۰/۶ درصد سوبسید در سرمایه‌گذاری از طرف دولت دریافت نموده و سپرده‌گذاران ۰/۶ درصد ارزش پولی خود را از دست می‌دهند.

تغییرها و تفسیرها

اکنون، ساده‌ترین تعبیر و تفسیری که در وضعیت به وجود آمده برای سرمایه در جهان غرب، بیواسطه به ذهن عامه خطور می‌کند، این است که «نرخ بهره سرمایه در سرمایه‌گذاری، نسبت به سه سال پیش (از سال ۱۹۹۸ تاکنون) بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است.»

ولی تفسیر کارشناسانه، به ماهیت تعریف و رفتارهای سرمایه در مؤسسات مالی غرب نظر دارد، یعنی چالش بوجود آمده بین صنعت و سرمایه، و ناکارآمدی انباشت سرمایه‌های نقدی نزد مؤسسات

○ نرخ بهره سپرده سرمایه‌ها در سرمایه‌گذاری نسبت به سه سال پیش، بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است.

و شکوفایی خود، افزایش نرخ بهره پرداختی به سپرده‌گذاران را در برنامه و هدف‌های اصلی خود قرار داده بودند. این موضوع، اگر چه توانست به انگیزه‌های

پیش‌زمینه‌های بحران

بازار معاملات پولی (Money Market) بر مبنای شاخص بنیان بهره‌های (معاملات ریوی) در غرب، در طول نزدیک به دو دهه، چنان رونقی به خود گرفت که پیش‌بینی ناکارآمدی امروز این بازار برای بسیاری از اقتصاددانان برجسته جهان دشوار شده بود. بانک‌ها و مؤسسات مالی زیادی برای بزرگنمایی رونق

مالی آن‌ها، به الگوی نظام سرمایه‌گذاری بر بنیان بهره‌های (ریباخواری) مربوط بوده، که نقش عوامل موازی سرمایه در یک سرمایه‌گذاری پایدار را نادیده انگاشته، و در یک تعریف جزمی از سرمایه می‌گوید: «نفس سرمایه، الزاماً سرمایه‌ساز خواهد بود!» و این دیدگاه، دقیقاً در تعارض با تعریف و رفتارهای مالی اسلامی از سرمایه است که می‌گوید: «نفس سرمایه، یک پدیده انتزاعی است که با دخالت مجموع عوامل موازی، در یک فرآیند صحیح در سرمایه‌گذاری معنا می‌یابد. و انتظار سهم سود برای آن، با انتظارات هر یک از عوامل موازی در سرمایه‌گذاری، احتمالاً هم‌عرض بوده و نفس معامله در یک چنین رفتاری از سرمایه به حلالیت خواهد رسید.»

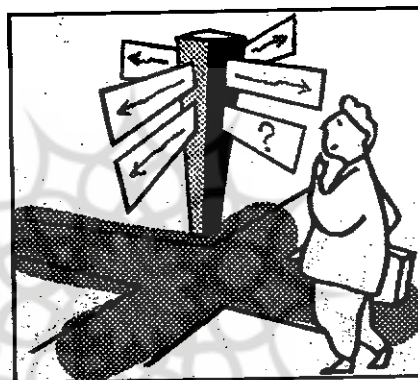
در واقع، یک‌سویه‌نگری دنیای غرب نسبت به پول و سرمایه، و محوری پنداشتن ارزش‌آزایی آن در هر گونه سرمایه‌گذاری، آنان را به تدوین یک الگوی رفتاری هماهنگ در صدور سرمایه (ریباخواری) وادار ساخته که بر مبنای یک شاخص بنیان بهره‌های (نرخ ربا)، نرخ آن متناسب با تقاضای بازار رابطه مستقیم داشته و با افزایش تقاضا برای صدور سرمایه، نرخ بهره هم افزایش می‌یابد.

به همین دلیل، امروزه سرمایه‌گذاری بر مبنای شاخص بنیان بهره‌های، نه تنها روند توسعه اقتصادی پایدار را در جهان متوقف ساخته، بلکه خود سرمایه نیز برای خروج از بحران، به حرکت قهقروایی روی آورده است.

پیش‌فرض‌ها و دلایل بروز بحران در مؤسسات مالی اسلامی

متأسفانه، حتی با چالش‌های بوجود آمده بین صنعت و سرمایه در اردوگاه مالی غرب (به دلیل الگوی نظام بهره‌های حاکم بر سرمایه‌گذاری آنها = ریباخواری) و رکود باورنکردنی سرمایه، هیچ دلیل روشنی بر دورنمای وضعیت پایدار - و یا حتی نیمه پایدار - سرمایه و سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای اسلامی و توسعه نیافته، از طرف مؤسسات مالی آنها وجود ندارد، چرا که اگر از سطح به عمق معادلات سرمایه‌گذاری در این کشورها کمی دقت شود، اصلی‌ترین تبعات الگوی نظام سرمایه‌گذاری غربی را - که بر نرخ ثابت و از پیش تعیین شده سهم سرمایه از محصول بدست نیامده در یک سرمایه‌گذاری تأکید دارد - در اغلب معاملات و تسهیلات مالی آنها برآحتی می‌توان دریافت. همچنین، رعایت استاندارد عدم پذیرش ریسک از طرف سرمایه، در بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات مالی آنها نیز کاملاً انعطاف‌ناپذیر عمل نموده، و حتی در بعضی از موارد

بالا تر از استاندارد، تعهدات و تضمینات مضاعف از عوامل موازی سرمایه اخذ نموده تا با احساس کوچکترین ریسک برای سرمایه، برآحتی توانسته باشند از طریق حاشیه‌های فرضی هم عوامل مقابل سرمایه را کاملاً تحت فشار قرار دهند، حال آنکه در غرب، شرایطی به مراتب سهل‌تر از شرایط مؤسسات مالی اسلامی، الگوی توسعه پایدار را تا بدین حد برای قطب تولید و صنعت آنها، ناکارآمد و راکد ساخته است. بدیهی است که با طرح انتقادی موضوع تعهدات و تضمینات برای سرمایه در معاملات مالی اسلامی، قصد نفی تعهد سپاری برای عوامل موازی سرمایه، مطرح نبوده، بلکه وجود اینگونه تنگناهای مضاعف در سرمایه‌گذاری از طرف این مؤسسات، این شبهه را به ذهن متبادر می‌سازد که ممکن است اساسی‌ترین رکن از ارکان عقد در عقود اسلامی، یعنی صلاحیت و



○ رفتارهای مالی و پیامدهای آن در جهان امروز، در محدوده جغرافیایی خاص محصور نمانده و قطعاً بر روی یکدیگر اثر خواهند گذاشت.

اهلیت طرف عقد در معامله، اندکی با اغماض توأم گشته و اهداف یک توسعه پایدار در آن، تحت‌الشعاع اهداف سودطلبی سازمانی قرار گرفته باشد. در واقع، ضروری است که با وضعیت بوجود آمده برای سرمایه در جهان، مشابهت و تقارن رفتارهای مالی در مؤسسات مالی اسلامی و غرب، در فرآیند یک توسعه پایدار و ضد توسعه - صرف نظر از تناقض ماهوی و اهداف نهفته در سرمایه‌گذاری‌های آن دو دیدگاه - با نگاهی دقیق و کارشناسانه مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته تا از بروز یک چالش تمام عیار و ویرانگر، بین صنعت و سرمایه - که با سرعتی باور نکردنی و غیرقابل پیش‌بینی قطب صنعت و سرمایه را در غرب در اندک زمانی به رکود کشاند - با اندیشیدن به راهکارها و ایجاد حاشیه‌های امن نظری و عملی، در

کشورهای اسلامی جلوگیری بعمل آید. نیاز به توضیح ندارد که رفتارهای مالی و پیامدهای آنها در جهان امروز، در محدوده جغرافیایی خاص محصور نمانده و قطعاً در هم تأثیر خواهند گذاشت. بنابراین، احتمال بروز بحران سرمایه برای مؤسسات مالی اسلامی و الگوی معاملاتی آنها (عقود اسلامی) - به غیر از پایدارترین رفتار مالی اسلامی در سیستم قرض‌الحسنه - با توجه به مشابهت رفتاری با مؤسسات مالی غرب، بنا به دلایل عملی و فرضی که در ذیل بیان می‌شود، چندان دور از ذهن نخواهد بود:

- ۱- شوک روانی حاصل از کاهش فاحش نرخ بهره در جذب و صدور سرمایه در مؤسسات مالی غرب.
- ۲- سرازیر شدن بخشی از سرمایه‌های خرد مسلمانان و غیرمسلمانان از غرب به کشورهای اسلامی، که حجم و چگونگی در گردش قرار گرفتن آن در کوتاه مدت از کنترل سیاستگذار مالی خارج است.
- ۳- پیشنهاد نرخ سود کمتر از نرخ سود متعارف در بانک‌های اسلامی، به متقاضیان سرمایه در جامعه اسلامی از جانب سرمایه‌های سرازیر شده.
- ۴- به صرفه نبودن خروج سرمایه از بانک‌های اسلامی از طرف سپرده‌گذاران، به دلیل نبودن بازار جذب در غرب و بازار آزاد داخلی برای آنها. به عبارتی دیگر، نگرانی خروج سپرده‌ها از مؤسسات مالی اسلامی در صورت اعمال «نرخ سود حقیقی» بسیار کمتر از گذشته است.

- ۵- انباشت روزافزون سرمایه نزد بانک‌های اسلامی و کاهش بازار جذب آنها، به دلیل نرخ سود بالا و از پیش تعیین شده در معاملات متعارف اسلامی و نداشتن توجیه اقتصادی در سرمایه‌گذاری.

مصادقات داخلی بروز چالش برای مؤسسات مالی اسلامی

صنایع و بسیاری از امور اقتصادی کشورهای اسلامی و توسعه نیافته که به جذب سرمایه از مؤسسات مالی خود با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده عادت کرده بودند، امروزه با استفاده از دو ابزار مالی کارآمد: ۱- بورس، ۲- جذب مستقیم سرمایه - که از ابزارهای متعارف و شناخته شده در الگوی توسعه پایدار نیز محسوب می‌شوند - سعی می‌نمایند از این وابستگی چالش برانگیز و سنتی خلاصی یابند. صنایع، با ابزار جذب مستقیم سرمایه از طریق پیش‌فروش کالاها یا خود به خریداران جزء و گسترده، و پرداخت سود مستقیم به سپرده‌های اندوخته شده خریداران کالا، می‌توانند سیستم آذاری سنتی، حجیم و کم سرعت امروز مؤسسات مالی اسلامی را با جدی‌ترین چالش مواجه سازند. در واقع، صنایع با استفاده از این دو ابزار مالی، به چند نتیجه مهم دست

خواهند یافت:

- ۱- عدم وابستگی سنتی به مصرف سرمایه از مؤسسات مالی با نرخ سود بالا و از پیش تعیین شده.
- ۲- داشتن بازار مصرف بیهیبه و دست اول از سرمایه‌های اندوخته. شده برای تولید کالاهای خود، حال آنکه هدف مؤسسات مالی و بانک‌ها از جذب سرمایه، مصرف آن در بازار ثانویه (صنایع) است.
- ۳- ناکارآمد ساختن ابزار سرمایه در دست مؤسسات مالی اسلامی، در اعمال نرخ سود برای صدور سرمایه در سرمایه‌گذاری.
- ۴- رقابت با مؤسسات مالی در جذب سرمایه، حتی در بالاترین نرخ سود و پایین‌ترین نرخ در صدور سرمایه تارسیدن به «نرخ سود حقیقی» در یک‌الگوی توسعه پایدار از سرمایه‌گذاری.

فوریته‌ها (تشکیل ستاد بحران سرمایه)

از آنجا که تبعات هر چالش اقتصادی در کشورهای اسلامی و توسعه نیافته، خیلی زود در لایه‌های عمقی جامعه نفوذ کرده و در سطح منتشر خواهد شد - دقیقاً بر خلاف جوامع غربی - لازم است از طرف سیاستگذار مالی، مدیران و کارشناسان مؤسسات مالی اسلامی (دولتی و خصوصی) به منظور حفظ مالیه اسلامی از خطرات آتی، از هم اکنون هر هفته حداقل یک بار (غیر از مناسبت‌های بانکی) به یک نشست اجباری با تمرکز موضوع نظری و عملی بر بحران سرمایه، فراخوانده شوند، چرا که شگردهای تبلیغاتی مؤسسات مالی خصوصی تازه تأسیس اسلامی، برای جذب سپرده‌ها - پیشنهاد نرخ سود بالاتر از نرخ متعارف به سپرده‌گذاران - حکایت از آن دارد که مدیران و کارشناسان آنها، هیچ برداشتی از پیش‌زمینه‌های بحران سرمایه و چگونگی گسترش آتی آن نداشتند، و در صورت بروز بحران، سرانجام مطلوبی برای آنها نمی‌توان تصور کرد. گرچه شاید تنها دلیل رواج آن به چنین رویکردی را، توجیه بازدهی در سرمایه‌گذاری بر مسکن تلقی نمود. ولی تجربیات بحران اقتصادی ژاپن ثابت کرده است که تمرکز سرمایه‌گذاری بر مسکن و بازدهی آن برای مؤسسات مالی، یک فرآیند کاملاً موقتی بوده و در برابر بحران، قادر به حفظ موقعیت خود نخواهند بود.

راه‌حل‌های پیشنهادی

- ۱- حذف کامل نرخ سود ثابت در جذب و صدور سرمایه.
 - ۲- حذف تدریجی نرخ سود ثابت در جذب و صدور سرمایه.
- راه‌حل پیشنهادی اول: به دلیل برخورداری از وحدت رویه، کنش و واکنش‌ها در اعمال آن بیشتر

قابل کنترل بوده و مؤسسات مالی اسلامی، توجیهات راحتتری را به سپرده‌گذاران ارائه خواهند داد - با طرح موضوع بحران سرمایه در جهان و کاهش نرخ بهره در کشورهای توسعه یافته و نزدیکی آن به نرخ در حدود ۱ درصد. همچنین، در این روش، از ضرر و زیان آتی مؤسسات مالی اسلامی جلوگیری بعمل می‌آید. در واقع، گزینش این راهکار ایجاب می‌کند که با توجه به موضوع بقای مالی ملی و رقابت با انباشت سرمایه‌های فراوان و سرگردان در جهان، برای روشن شدن اذهان عمومی از طریق رسانه‌های جمعی، آمادگی ذهنی را برای مردم ایجاد کرد.

راه‌حل پیشنهادی دوم: از ضرر و زیان آتی مؤسسات مالی اسلامی جلوگیری ننموده و به دلیل

امروزه سرمایه‌گذاری بر مبنای سناخص بنیان سپرده‌های، نه تنها روند توسعه اقتصادی پایدار را در جهان متوقف ساخته، بلکه خود سرمایه نیز برای خروج از بحران، به خسرت قشهرتایی روی آورده است.

سیاست دوگانه مؤسسات مالی اسلامی در جذب و صدور سرمایه، احتمال تردید سپرده‌گذاران جدید در سپرده‌گذاری، در کوتاه‌مدت متصور است.

افزایش نرخ سود \Rightarrow توجیه اقتصادی در سرمایه‌گذاری \Rightarrow صدور سرمایه < جذب سرمایه
 تعدیل نرخ سود \Rightarrow عدم توجیه اقتصادی در سرمایه‌گذاری \Rightarrow صدور سرمایه > جذب سرمایه
 تثبیت نرخ سود \Rightarrow تثبیت وضعیت اقتصادی در سرمایه‌گذاری \Rightarrow صدور سرمایه = جذب سرمایه

جانشین پیشنهادی برای نرخ متعارف سود ثابت

مطلوب‌ترین جانشین برای «نرخ متعارف سود ثابت» در جذب و صدور سرمایه، که بتواند کارآمدتر از سایر الگوها به اهداف مؤسسات مالی اسلامی در فرآیند یک توسعه پایدار کمک کند، شاید «نرخ سود حقیقی» یا «نرخ سود واقعی» باشد. نرخ سود حقیقی یا واقعی، در یک تعریف ساده عبارتست از: «معدل برآورد نرخ سود در دوره‌های فرضی کوتاه‌تر، در دامنه تغییرات نرخ سود برای یک دوره مبنایی از جذب یا صدور سرمایه در سرمایه‌گذاری».

بنا به تعریف فوق، دوره‌های فرضی کوتاه‌تر به دوره‌هایی اطلاق می‌شود که سیاستگذار قبل از اعلام نرخ رسمی، به منظور نزدیک شدن به «نرخ سود حقیقی یا واقعی» در سرمایه‌گذاری، با توجه به شرایط کمی و کیفی جذب و صدور سرمایه توسط مؤسسات مالی اسلامی و مجموع شرایط حاکم بر اقتصاد جامعه، برآوردهای خود را انجام می‌دهد، مثلاً سه دوره ۱۰

روزه در یک ماه.

دوره مبنایی، اگرچه برای جذب سپرده مدت‌داز در مؤسسات مالی اسلامی به عنوان یک دوره سه ماهه شناخته شده است، ولی در تعریف مورد نظر «نرخ حقیقی یا واقعی» به یک دوره یک ماهه در جذب و صدور سرمایه اطلاق می‌شود که پرداخت سود در آن حتی برای سپرده‌های یک ماهه نیز امکان‌پذیر است، به این ترتیب که اگر سیاستگذار در هر ۱۰ روز برآورد «نرخ سود حقیقی یا واقعی» را انجام داده باشد، از معدل سه دوره، قادر به اعلام نرخ رسمی سود حقیقی برای سپرده‌های یک ماهه نیز خواهد بود.

اساساً در طرح «نرخ سود حقیقی یا واقعی» کاهش نرخ سود در مدنظر نبوده، بلکه مشارکت دایمی و فراگیر در سرمایه‌گذاری معاملات اسلامی بر مبنای الگوی توسعه پایدار در روابط اقتصادی جامعه مطرح است. به عبارتی روشن‌تر، در شرایط مطلوب اقتصادی و روند روبه رشد سرمایه‌گذاری در عرصه تولید و صنعت، طبیعی است که با توجه به روزآمد بودن برآورد «نرخ سود حقیقی یا واقعی» به موازات افزایش سهم سود حاصله در سرمایه‌گذاری برای سایر عوامل، سهم سود سرمایه نیز افزایش می‌یابد.

بنابراین، شاید لازم باشد که با تشریح فرآیند فوق به زبان ساده ریاضی، به فهم کاربردی چگونگی عملکرد «نرخ سود حقیقی یا واقعی» در معاملات اسلامی، بیشتر نزدیک شد:

یعنی مؤسسات مالی اسلامی، در صورت تنظیم روابط نرخ سود خود در سرمایه‌گذاری براساس معادلات فوق، نه تنها موقعیت خود را در جذب و صدور سرمایه حفظ خواهند کرد، بلکه بیشتر از گذشته به الگوی توسعه پایدار در جامعه کمک نموده و آسیب‌پذیری مالیه اسلامی را در برابر بحران سرمایه، کاهش خواهند داد.

همچنین، سررسید دریافت اقساط سرمایه‌گذاری شده در تمامی معاملات اسلامی (عقود اسلامی) از الگوی پیشنهادی فوق تبعیت نموده و توازن نسبی جذب و صدور سرمایه در مؤسسات مالی اسلامی، دریافت و پرداخت سود را براساس نرخ رسمی ماهانه سیاستگذار امکان‌پذیر ساخته و انتظارات سود آنها را نیز در دامنه تغییرات خود پوشش خواهد داد.

بدیهی است که در یک طرح جامع و کامل در سطح کلان، لازم است نرخ مبنایی سود در الگوی پیشنهادی «نرخ سود حقیقی یا واقعی» تعیین و اعلام شود. در چنین گزینشی دشوار، به طور قطع و یقین

باید تمامی عوامل مؤثر در یک توسعه پایدار، واقع‌بینانه و کارشناسانه مورد ارزیابی قرار گیرد تا از به خطر افتادن مالیه اسلامی از یک سو، و بروز چالشی ناخواسته از سوی دیگر، جلوگیری بعمل آید. تردیدی نیست که شناخت پایدارترین سیستم یا رفتار مالی در بدترین شرایط بحران سرمایه، و درک درست و همه جانبه از فرایند رکود بر صنعت و تولید، از اصلی‌ترین شاخصه‌های تأثیرگذاری هستند که در تعیین و برآورد نرخ مبنایی دخالت می‌کنند.

همچنین، لازم به توضیح است که «نرخ سود حقیقی یا واقعی» با الگوی نرخ شناور - چه از نظر ماهیت و چه از نظر عملکرد - کاملاً تفاوت دارد، چرا که نرخ شناور ماهیتاً از الگوی عملیاتی بورس استفاده کرده که موضوع به خطر افتادن اصل سرمایه در آن با انتظار سود دهی آن، به موازات هم پیش می‌روند، حال آنکه در الگوی «نرخ سود حقیقی یا واقعی» اصل و سود سرمایه در جذب و صدور آن، در هر شرایطی کاملاً حفظ خواهد شد.

ابزارها و نیازها در پیشبرد طرح پیشنهادی

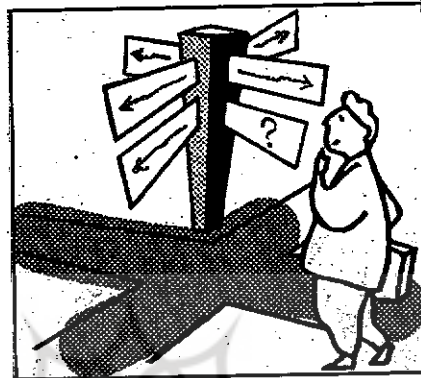
تعریف فوق، شاید با حوصله عملیات معاملاتی امروز مؤسسات مالی و بانک‌های اسلامی، اندکی ناسازگار و دشوار به نظر رسد؛ با توجه به اینکه چیزی تغییر نکرده و نمی‌کند، بلکه فقط لازم است نگرش سنتی و کم سرعت به معاملات در مؤسسات مالی اسلامی، اندکی به روز بوده و سریعتر از گذشته عمل نمایند.

بنابراین، عمده‌ترین ابزارها و نیازها برای پیشبرد طرح پیشنهادی فوق‌الذکر عبارتند از:

۱- ایجاد یک مرکز متشکل از چند کارشناس کارآمد معاملاتی در بدنه بخش معاملات و تسهیلات مؤسسات مالی اسلامی، به منظور دریافت و تحلیل گزارش معاملات از شعب.

۲- الزام به گزارش هفتگی شعب از جهات کمی و کیفی جذب سپرده‌های کوتاه و بلندمدت و صدور سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری، در پایان هر هفته.

۳- تحلیل و تهیه گزارش هفتگی از چگونگی وضعیت جذب و صدور سرمایه در آن مؤسسه و شرایط اقتصادی حاکم بر تولید و صنعت در جامعه، از طرف این تیم کارشناسی معاملاتی برای مدیران عالی‌رتبه مؤسسه (مدیر عامل و هیأت مدیره) به منظور ارزیابی وضعیت نهایی حاکم بر اقتصاد جامعه در طول هفته، و پیشنهاد «نرخ سود حقیقی یا واقعی» مورد نظر



مؤسسه به همراه ارایه رهنمودها به سیاستگذار پولی و مالی در هر ۱۰ روز یک بار، تا سیاستگذار از مجموع پیشنهادها نرخ سود معاملات مؤسسات مالی اسلامی - با توجه به سه دوره برآورد کارشناسی جامع و موردی بعمل آمده در طول هر ماه - دستورالعمل عمومی برای اعمال نرخ سود حقیقی را در پایان هر ماه صادر نماید.

نتیجه‌گیری

نتیجه هر بحران پیش‌بینی نشده بر اقتصاد هر جامعه‌ای، ممکن است بخشی خاص از اقتصاد آن جامعه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد یا تأثیر آن بر

دیگر بخش‌های اقتصادی جامعه، کم‌رنگ‌تر از آن بخش خاص باشد، ولی بحران سرمایه یا بحران نظام پولی و مالی یک جامعه، از آن دسته از بحران‌هایی است که تبعات و سایه بدفرجام آن تا سالیان متمادی بر بنیان الگوی توسعه پایدار آن جامعه باقی خواهد ماند.

بنابراین، ضرورت‌ها و راهکارهای مطرح شده برای مقابله با بحران سرمایه در این طرح، با درک عمیق از این موضوع در شرایط بسیار متزلزل و رکود بوجود آمده بر صنعت و سرمایه در جهان نهفته است. و به احتمال قریب به یقین و بسیار نزدیک، گسترش دامنه این بحران در مؤسسات مالی اسلامی، به اندازه کافی دورنمایی تلخ و ویرانگر را بر بنیان الگوی توسعه اقتصادی ما در پی خواهد داشت، تا ما را به یک چاره‌اندیشی اساسی و کارآمد در روابط دایمی حاکم بر معاملات سرمایه مؤسسات مالی اسلامی با کلیت اقتصاد جامعه وادار سازد.

توضیح و تصحیح

در چاپ مقاله چالش‌های آتی بین صنعت و سرمایه‌های خارجی در ایران، که در صفحه ۵۳ شماره ۲۱ مجله درج شده است، در معادله مربوط به نحوه محاسبه نرخ بهره اسمی براساس روز شمار صدور و جذب سرمایه‌های خارجی، اشتباهی روی داده و صورت و مخرج کسر مربوطه جابجا شده است.

بنابراین، ضمن پوزش از نویسنده مقاله و خوانندگان محترم، یادآور می‌شود که برای تصحیح اشتباه فوق‌الذکر، باید صورت و مخرج معادله مزبور جابجا شوند.

بانک و اقتصاد

برگه اشتراک	
نام و نام خانوادگی مشترک:	تاریخ:
سن:	شغل:
شماره‌های درخواستی: از شماره:	تعداد:
نشانی پستی:	شماره:
شماره تلفن تماس:	
مشترک گرامی	
* هزینه اشتراک مجله برای شش ماه ۱۸۰۰۰ ریال و برای یک سال ۳۶۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۲) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:	
تهران/ خیابان حجاب / کوچه بوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران / ۵۵۴۸-۱۴۱۵۵	